



اعطای سه خصلت به کسانی که راضی به رضای پروردگارند/ کم سخن گفتن حکمت به بار می‌آورد

آیت الله جاودان در تشریح حدیث معراج با بیان اینکه کم سخن گفتن حکمت به بار می‌آورد، تأکید کرد: بر اساس این حدیث هر کس راضی به رضای خداوند باشد، خداوند سه خصلت شکر، ذکر و محبت را از او جدا نمی‌کند.

آیت الله جاودان در تشریح حدیث معراج با بیان اینکه کم سخن گفتن حکمت به بار می‌آورد، تأکید کرد: بر اساس این حدیث هر کس راضی به رضای خداوند باشد، خداوند سه خصلت شکر، ذکر و محبت را از او جدا نمی‌کند. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله محمدعلی جاودان از اساتید اخلاق شهر تهران در جلسه اخلاق خود، در تشریح حدیث معراج، پیرامون اثرات روزه مقبول سخنرانی کرد و گفت: ما از صد هزار هزار بهره روزه یک بهره می‌بریم و آن هم گرسنگی است. فرموده‌اند وقتی روزه می‌گیرید چشمتان، دستانتان، گوشتان و حتی پوست بدنتان روزه باشد؛ اگر اینگونه باشیم، روزه قبول می‌شود. روزه‌ای که قبول شود، سپری است در برابر آتش.

کم سخن گفتن حکمت به بار می‌آورد

این استاد اخلاق با اشاره به حدیث معراج گفت: این حدیث در بین احادیث شیعه بی‌نظیر است. در یکی از فرازهای این گفت‌وگو خداوند به رسولش (ص) می‌فرماید که "یا احمد! هل تعلم ما میراث الصوم؟" آیا می‌دانی نتیجه روزه چیست؟ در تمام این مدت که خداوند پیامبر را مخاطب قرار می‌دهد، خدای تبارک و تعالی سوال می‌کنند و پیامبر (ص) پاسخ می‌دهند "خیر یا الهی" و آنگاه خداوند تبارک و تعالی توضیح می‌دهند. خداوند فرمود: ثمره روزه این است که انسان کمتر می‌خورد و کمتر سخن می‌گوید.

آیت الله جاودان افزود: کمتر حرف زدن چه نتیجه‌ای دارد؟ خداوند فرمود: کم سخن گفتن حکمت به بار می‌آورد. نتیجه حکمت هم معرفت است و معرفت منجر به یقین می‌شود. یقین می‌دانید تا کجا انسان را می‌برد؟ انسان همین که از دنیا به آنطرف رفت می‌فهمد سرمایه‌اش چقدر است. آن وقت است حسرت می‌خورد که ای کاش آن روز این کار را نکرده بودم و این کار را کرده بودم. ای کاش آن حرف را زده بودم و ای کاش آن چیز را نخورده بودم و ای کاش آنجا را نرفته بودم. آنجاست که انسان، حسرت، حسرت و حسرت می‌خورد.

ماجرای 200 دینار هدیه عثمان به ابوذ

این استاد اخلاق افزود: خلیفه سوم 200 دینار برای ابوذ فرستاد. ابوذ پرسید این پول را برای چه آوردید؟ آیا این حقوق بیت‌المال است که قطع کرده بودید؟ گفتند: "نه این هدیه و بخشش از مال پاک و حلال خلیفه است که برای شما فرستاده‌اند". گفت بروید سفره‌ام را باز کنید و ببینید دو قرص نان دارم که یکی برای امروز و یکی برای فردا است، بنابراین به این پول احتیاجی ندارم. 200 دینار شاید یک‌سال زندگی‌اش را اداره می‌کرد ولی وقتی بنده به یقین رسید، دیگر باکی ندارد.

بزرگی انسان یعنی سختی و آسانی برایت فرقی نکند

آیت‌الله جاودان با تأکید بر اینکه باکی نداشتن بدان معنا نیست که روزه بگیری و کم بخوری و کم حرف بزنی که حکمت و معرفت و یقین پیدا کنی و بعد هم تمام عمرت در بلا باشی؟ گفت: این #171؛ بাকش نیست» مهم است. اصلاً تمام عالم برای من است، مهم نیست؛ هیچی هم ندارم باز هم مهم نیست. این #171؛ مهم نیست»، مهم است. یعنی انسان اینقدر بزرگ شده که همه عالم باشد و نباشد فرقی ندارد. امثال ما اگر امشب افطاری نداشته باشیم، نماز که می‌خواهیم بخوانیم، اصلاً در نماز نیستیم و می‌گوئیم افطاری را چکار کنم؟ اگر زن و بچه هم داشته باشیم که بیشتر. بزرگی آدم به اندازه‌ای است که برای او سختی و آسانی فرقی نمی‌کند.

داستان مردی که یک هفته نان خشک خورد

وی با اشاره به داستان فردی که در یکی از حجرات صحن امیرالمومنین (ع) زندگی می‌کرد، اظهار داشت: یک آقای بود که هر روز برای این فرد نان می‌آورد و تمام 24 ساعت زندگی این فرد نیز با همین نان سپری می‌شد. از قضا این فردی که نان می‌آورد، به نحوی مریض شد که تا یک هفته نتوانست حرکت کند. بعد یک هفته رفت در حجره فرد و گفت نمی‌دانم در این یک هفته‌ای که من نتوانستم بیایم، بر سر شما چه گذشت؟ او جواب داد: طوری نبود. یک مقدار نان خشک مانده بود، آنها را استفاده کردم. این بزرگی مهم است. سیری و گرسنگی مهم نیست، مهم همین بزرگی است که نه در بند سیری و نه در بند گرسنگی است و سختی روزگار او را فلج نمی‌کند و کمرش را خم نمی‌کند.

اعطای سه خصلت به کسانی که راضی به رضای خداوند هستند

آیت‌الله جوادان در ادامه حدیث معراج گفت: خداوند می‌فرماید "فهذا مقام الراضین" این افراد در اثر این مقدمات و یقین به مقام کسانی رسیده‌اند که از خدای خود راضی‌اند و حوادث تلخ، اوقات آنها را تلخ نمی‌کند. در ادامه حدیث آمده "فمن عمل برضای، الزمه ثلاث خصال" یعنی هر کس راضی به رضای من باشد، من سه خصلت را از او جدا نمی‌کنم. اول شکری که در آن ابداء جهلی نباشد. شکر یعنی در تمام عمرش شادمان است زیرا شاکر بودن نتیجه شادمانی از یک امری است. دوم ذکری که در آن نسیان نباشد، و سوم محبتی که با وجود آن هیچگاه محبت مخلوقات را بر محبت من ترجیح ندهد.

ضمانت سر علامه طباطبایی برای رسیدن به حکمت با سکوت

وی با بیان اینکه رسیدن به این محبت در اثر سکوت است، تصریح کرد: بزرگی می‌گفتند که خدمت علامه طباطبایی رسیدیم. ایشان می‌فرمودند "من سرم را ضمانت می‌کنم که کسی دهانش را ببندد، به حکمت می‌رسد". کسی که به حکمت برسد، به محبت خداوند خواهد رسید. ما اصلاً نمی‌توانیم این محبت را تصور کنیم و اگر یک سر سوزن از آن را بچشیم به خاطر آن از دنیا و آخرت می‌گذریم. آن موقع است که اگر درب بهشت را باز کنند و بگویند برو در بهشت، نگاه به بهشت نمی‌کند.

این استاد اخلاق افزود: در ادامه حدیث آمده است "إذا احبني احبته" اگر بنده مرا دوست بدارد، من او را دوست خواهم داشت. "و حبيته الی خلقی" مخلوقاتم را وادار خواهم کرد او را دوست بدارند؛ "و افتح عين قلبه الی جلالی و عظمتی" و چشم دلش را به عظمت و جلال خودم باز خواهم کرد. عظمت و جلال خدا در عالم پر است؛ "فلا اخفی علیه علم خاصة خلقی" بندگان مخصوصم را با هم آشنا می‌کنم؛ "فاناجیه فی ظلم الليل و نور النهار" و در تاریکی شب و روشنی روز با او نجوا می‌کنم.

ذکر خاطره‌ای از آیت‌الله حق‌شناس

آیت‌الله جادوان افزود: نجوا یعنی سخن گفتن پنهانی. شما اینجا نشستنی و مرا نگاه می‌کنی ولی در آنجا نشستنی و صحبت می‌کنی. چنین فردی مانند پیامبر(ص) زندگی روزمره اش را دارد، مشغول کار و فعالیت است اما مناجاتش هم برقرار است و در ذکر دائم است. "حتى ينقطع حديثه مع المخلوقين" دیگر با مخلوقات من حرف نمی‌زند. با مردم حرف می‌زند ولی حرف نمی‌زند. ماجرای نقل کرده‌ام از آیت‌الله حق‌شناس که نهار منزل ما در مشهد بودند، ایشان سوال پرسیدند که غذا را چطور درست کردی؟ من شروع به گفتن کردم و در بین پاسخ متوجه شدم که مرا نگاه می‌کنند ولی گویا که اینجا نیستند. من صحبت‌م را قطع کردم؛ وقتی ایشان برگشتند، پرسیدند که چی بود؟

وی به ذکر داستان دیگری در همین زمینه پرداخت و گفت: فردی به بزرگی خدمت کرده بود. مثلاً سه یا چهار ماه آن بزرگ مریض بود و این فرد به او خدمت کرده بود. وقتی حال او بهتر شد، به فردی که خدمتش کرده بود گفت به تو چه بدهم؟ گفت من یک چیز دیگر از شما می‌خواهم. آن بزرگ به او گفت برو و فردا بیا. فردا که آمده بود دید آن مرد بزرگ به روی جانماز نشسته بود. او هم کنارش نشست. همانطور که نشسته بود، آن بزرگ به روی زانوی این فرد زد و روح او از بدنش بیرون آمد و تا نزدیکی طبقه اول بهشت بالا رفتند. مکانهای بسیار زیبا و صداهای بسیار خوشی آنجا بود که بهترین صداهای روی زمین نسبت به آن مانند صدای گوش دراز بود. باور کنید آنجا طبقه اول هم نبوده.

وی در ادامه حدیث معراج به تشریح "و اسمعه کلامی و کلام ملائکتی و اعرفه سری الذی سترته عن خلقی و البسه الحياء حتى تستحي منه الخلق کلهم" پرداخت و اظهار داشت: سخن خود را به گوش او می‌گویم و با او حرف می‌زنم و ملائکه من با او حرف می‌زنند و سر خود را با او در میان می‌گذارم. در بعضی روایات آمده که سر قدر را می‌فهمد. یعنی چرایی همه چیز را می‌فهمد هیچ سوالی برایش باقی نمی‌ماند.

گناهان نمی‌گذارند مزه نماز را بچشیم

این استاد اخلاق گفت: همه این برکات از سکوت ناشی می‌شود. این بسیار سخت است اما اگر ما بتوانیم در ماه رمضان از چشم و گوش و زبانمان مراقبت کنیم، روزه مان قبول است و کمی از مزه ماه رمضان که خیلی عظیم است را می‌چشیم. مزه ای که، کم آن هم خیلی زیاد است. توصیه این است که بیشتر مواظبت کنیم. هر چه بیشتر مواظبت کند، بهره‌اش بیشتر می‌شود. یکی از بهره های ماه رمضان این است که گناهان بخشیده می‌شود و در روایات متعددی آمده که در هر افطار و هر شب جمعه و نیمه ماه و هر اعیاء هزاران هزار نفر بخشیده می‌شوند. ان شاءالله ما هم بین آنها باشیم. اگر گناهان بخشیده و پاک شوند آن وقت مزه نماز را خواهیم چشید. زیرا گناه است که نمی‌گذارد مزه نماز را بچشیم.

باید با کمک خدا گناه را ترک کرد

آیت الله جوادان در پایان یادآور شد: یک کار خیلی خوب که انسان بتواند بکند این است که قول ترک یک گناه را بدهیم. به خدا هیچ وقت قول ندهید چون اگر قول بدهید، شما را به خودتان وا می‌گذارد که به قولت عمل کنی؛ باید قول بدهی به کمک و مدد خداوند. خدایا به مدد تو این کمک را دیگر نمی‌خواهم بکنم. نباید در مناجات کم گذاشت. شاید آن یکی را که کم گذاشتی، قبول شود. ما کلمه را می‌گوییم و اوست که باید ببخشد. شاید این یکی که گفتیم مورد قبول واقع شود.